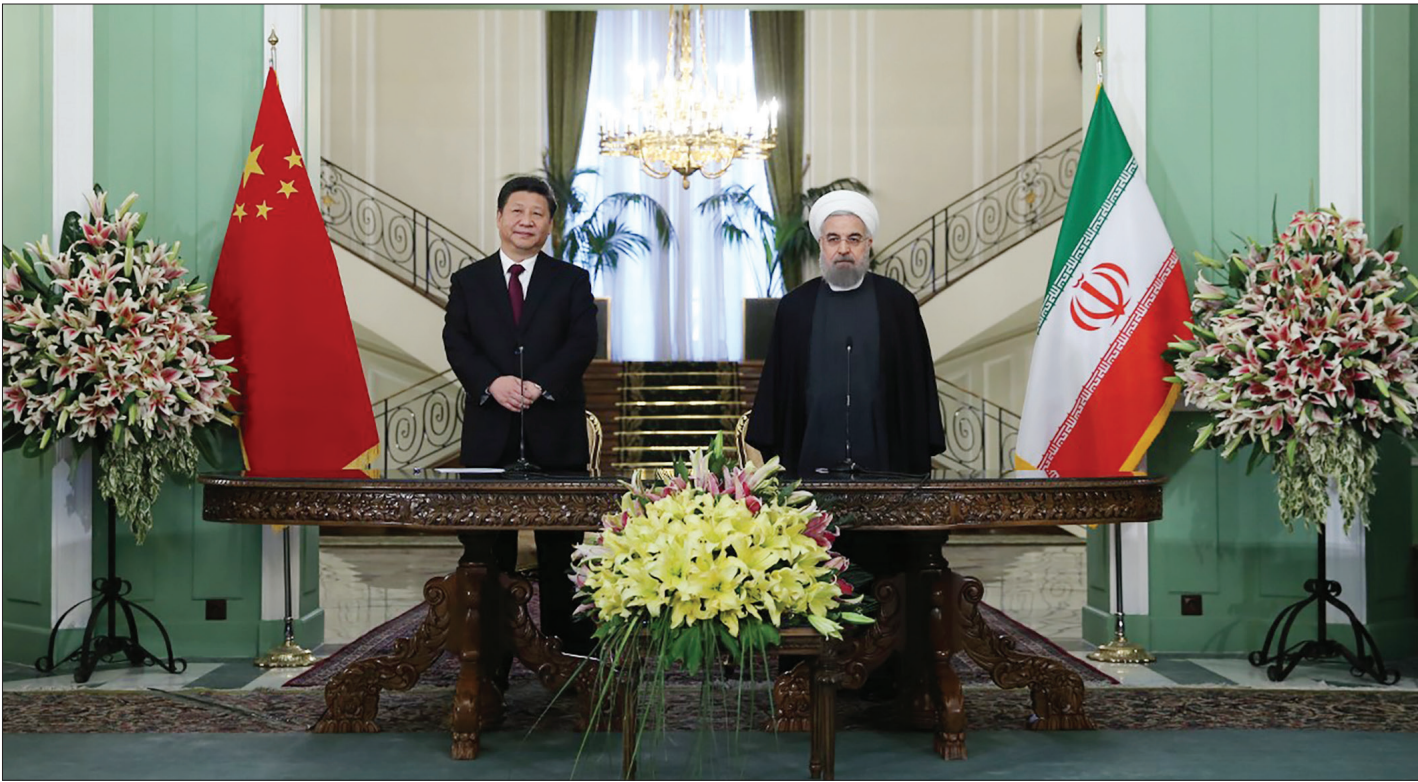




۱۵ نکته درباره برنامه مشترک احتمالی ایران و چین

منافع راهبردی تهران-پکن عامل پیشبرد قرارداد



حامد وفایی
استاد دانشگاه تهران

در هفته‌های اخیر حجم گسترده‌ای از اظهارنظرها و تحلیل‌های مختلف در رابطه با روابط ایران و چین و آینده آن و به‌طور مشخص برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله دو کشور در رسانه‌ها و فضای مجازی منتشر شده است. درباره همکاری دو کشور باید چندمساله را مدنظر قرار داد و از هم تفکیک کرد؛ بخش اول ماهیت این برنامه، بخش دوم روابط ایران و چین، بخش سوم مواضع کشورهای مختلف به‌ویژه آمریکایی‌ها درباره این روابط و بخش چهارم مزیت‌های ایران و چین برای یکدیگر است که باید به آنها به‌صورت جداگانه پرداخته شود. بخش پنجم نیز به بررسی اینکه نکته خواهد پرداخت که چرا برخلاف ادعای رسانه‌های غربی که برنامه همکاری را استعماری خوانده و حتی وزارت خارجه آمریکا آن را «ترکانچای دوم» دانسته بود، از اساس باطل و ادعایی غیرواقعی با هدف تاثیرگذاری بر افکار عمومی ایران است؟

و پس از آن در شبکه‌های اجتماعی نیز این ادعا به شکل‌های مختلف بازنشر داده شده است.

۱ بخش نخست سند همکاری جامع ایران و چین، یک برنامه است. این سند نه توافقنامه و نه معاهده و نه چیز دیگری است. اگر بخواهیم آن را تحلیل و ارزیابی کنیم باید چندمساله را در نظر بگیریم. مساله نخست بیانیهای است که ایران و چین پنج سال گذشته در جریان سفر آقای شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین به ایران صادر کردند. برخلاف آنچه گفته می‌شود این کاهش ملموسی داشته است. چین به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران و یکی از مهم‌ترین کشورها در نظام بین‌الملل، روابطش با ایران در ماه‌های اخیر به دلیل دو معضل کرونا و تحریم‌های آمریکا به‌طور مستقیم ضربه خورده است. فروش نفت ایران به چین در ماه گذشته میلادی به کمترین میزان خود از سال ۲۰۰۷ تا امروز رسیده است. مناسبات تجاری ایران و چین بیش از ۶۰ درصد کاهش داشته و این عدد عجیبی برای ماست. بخش اعظم این کاهش تجارت به دلیل کاهش واردات چین از ایران بوده است. این وضعیت تعریف می‌دهد که ضربات آمریکا به ایران تاثیر خود را گذاشته است.

در چنین شرایطی به‌جای اینکه نخبگان نگران باشند و دغدغه کاهش روابط را داشته باشند، در دام خط‌رسانه‌ای که از غلبه آغاز شده و متأسفانه افکار عمومی و برخی از رسانه‌ها تحت‌تاثیر قرار داده، افتاده‌اند. رسانه‌های غربی مدعی شده‌بودند ایران کیش را به چین می‌فروشد و مسئولان ایران وطن فروش هستند. **۲ بخش سوم** در روابط ایران و چین یک موضوع مهمی در غرب آغاز شده و متأسفانه افکار عمومی و برخی از رسانه‌ها تحت‌تاثیر قرار داده، افتاده‌اند. رسانه‌های غربی مدعی شده‌بودند ایران کیش را به چین می‌فروشد و مسئولان ایران وطن فروش هستند.

پکن با رژیم صهیونیستی رابطه دارد، با آمریکا رابطه دارد با عرستان رابطه دارد و با ایران هم رابطه دارد. منتها چارچوبی که برای روابط با ایران تنظیم کرده دارای سه اصل مشارکت، جامعیت و استراتژیک بودن است. این چارچوب مترقی و نشان‌دهنده جایگاه جمهوری اسلامی در نظر مقامات چین است. وقتی کشوری مثل چین که عضو شورای امنیت و یکی از قطب‌های تعیین‌کننده در جهان است، با کشوری برنامه ۲۵ ساله می‌بندد، یعنی حداقل تا دوده آینده به ثبات و امنیت در کشور طرف همکاری مطمئن است.

۳ بخش دوم روابط دوجانبه ایران و چین در چارچوب این برنامه مورد توجه قرار می‌گیرد. پنج‌سال قبل ایران و چین به این جمع بندی رسیدند که روابطشان را مشارکتی، راهبردی و جامع کنند. مشارکتی یعنی این روابط رقابتی نیست، چراکه ایران و چین با هم در حوزه‌های بین‌المللی رقابتی ندارند. در سال‌های گذشته چین نگاهش به ایران راهبردی نبوده، چراکه ایران هم نگاهش به چین راهبردی نبوده است. با این حال اکنون دو کشور برای اینکه روابطشان را جامع و استراتژیک کنند، اعلام آمادگی کرده‌اند. برای تحقق چنین امری نیاز به لوازمی است. در حال حاضر روابط ایران و چین راهبردی نیست، زیرا مردم، متخصصان و حتی مقامات ما چین را نمی‌شناسند. بهترین نمونه همین بررسی مطالب رسانه‌ها، اظهارنظر مقامات سابق و برخی نماینده‌ها درباره همکاری با چین است. زمانی که قرار

است دو کشور روابط طولانی مدت را دنبال کنند، باید ابتدا همدیگر را بشناسند. در شرایط فعلی با استناد به آمار رسمی منابع چینی (کمرک و وزارت اقتصاد) سطح روابط ایران و چین کاهش ملموسی داشته است. چین به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران و یکی از مهم‌ترین کشورها در نظام بین‌الملل، روابطش با ایران در ماه‌های اخیر به دلیل دو معضل کرونا و تحریم‌های آمریکا به‌طور مستقیم ضربه خورده است. فروش نفت ایران به چین در ماه گذشته میلادی به کمترین میزان خود از سال ۲۰۰۷ تا امروز رسیده است. مناسبات تجاری ایران و چین بیش از ۶۰ درصد کاهش داشته و این عدد عجیبی برای ماست. بخش اعظم این کاهش تجارت به دلیل کاهش واردات چین از ایران بوده است. این وضعیت تعریف می‌دهد که ضربات آمریکا به ایران تاثیر خود را گذاشته است.

در چنین شرایطی به‌جای اینکه نخبگان نگران باشند و دغدغه کاهش روابط را داشته باشند، در دام خط‌رسانه‌ای که از غلبه آغاز شده و متأسفانه افکار عمومی و برخی از رسانه‌ها تحت‌تاثیر قرار داده، افتاده‌اند. رسانه‌های غربی مدعی شده‌بودند ایران کیش را به چین می‌فروشد و مسئولان ایران وطن فروش هستند.

۴ بخش سوم در روابط ایران و چین یک موضوع مهمی در غرب آغاز شده و متأسفانه افکار عمومی و برخی از رسانه‌ها تحت‌تاثیر قرار داده، افتاده‌اند. رسانه‌های غربی مدعی شده‌بودند ایران کیش را به چین می‌فروشد و مسئولان ایران وطن فروش هستند.

پکن با رژیم صهیونیستی رابطه دارد، با آمریکا رابطه دارد با عرستان رابطه دارد و با ایران هم رابطه دارد. منتها چارچوبی که برای روابط با ایران تنظیم کرده دارای سه اصل مشارکت، جامعیت و استراتژیک بودن است. این چارچوب مترقی و نشان‌دهنده جایگاه جمهوری اسلامی در نظر مقامات چین است. وقتی کشوری مثل چین که عضو شورای امنیت و یکی از قطب‌های تعیین‌کننده در جهان است، با کشوری برنامه ۲۵ ساله می‌بندد، یعنی حداقل تا دوده آینده به ثبات و امنیت در کشور طرف همکاری مطمئن است.

۵ روابط ایران و چین به‌طور مستقیم ارتباطی به آمریکا ندارد. اینکه ایران به چین نفت بفروشد یا چین در ایران قطار سریع‌السیر درست کند، توافقی دوجانبه براساس نیازها و منافع مشترک دو کشور است، اما تعریف آمریکا از مناسبات بین‌المللی باعث می‌شود شروع کند به فشار وارد کردن به ایران و چین. ایران و چین مناسباتشان را در چارچوب منافع دوجانبه و روابط بین‌الملل تعریف کرده‌اند. چین هم به‌عنوان کشوری که خودش را در عرصه بین‌الملل یک کشور مسئولیت‌پذیر می‌داند، پای رابطه با ایران ایستاده است. اخیراً در رابطه با تعدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران که مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا اظهارنظری علیه ایران و چین داشت، چین اعلام کرد که روابط ما با ایران براساس منافع دوجانبه و مصالح دو کشور است و هیچ‌منافاتی با امنیت بین‌الملل ندارد. سخنگوی وزارت خارجه چین از تمثیلی در زبان چینی بهره‌برد و به پمپئو گفت اگر این رویکرد را ادامه بدهید، انگار با سید حصیری می‌خواهید از رودخانه آب بیورید. با توجه به مداخلات و تهدیدهای آمریکا علیه چین و ایران یکی از مسائلی که بر این برنامه سایه خواهد افکند، بحث تحریم‌هاست. ایران و چین تحریم‌های آمریکا را قبول ندارند و در عین حال برنامه طولانی مدت تنظیم کرده‌اند و قاعدتاً باید به تحریم‌ها نیز توجه داشته باشند.

۶ در سند همکاری جامع، مساله چندجانبه‌گرایی هم مورد تاکید قرار گرفته و مشخص است که سایر کشورها نیز می‌توانند از آن نفع یا ضرر ببرند، مثلاً اگر کریدوری در ایران تعریف شود، کشورهایی که دو سوی این کریدور هستند، از آن نفع می‌برند یا اگر راه (ریلی، جاده‌ای یا دریایی) بین ایران و چین تعریف شود، به‌طور حتم موجب آبادانی کشورهای اطراف خواهد شد. این بخش مثبت قضیه است، اما یک بخش منفی هم وجود دارد؛ در نوک پیکان کشورهای منفی آمریکا است. ایران و چین اعلام کرده‌اند که جدا از دخالت آمریکا کارشان را انجام می‌دهند. با این حال باید دقت داشته باشیم که چینی‌ها حداقل برای میان‌مدت برنامه رویارویی مستقیم با آمریکا را ندارند و دنبال این نیستند که آمریکا کند و چین جایگزین آن شود. پکن نه ظرفیت و نه چنین علاقه‌ای دارد. حضور آمریکا در جایگاه قدرت برتر، بخشی از مسئولیت‌های چین را کم می‌کند. تعریف چینی‌ها برای آینده، یک جهان چندقطبی است. در مناسبات چین و آمریکا، پکن به‌هیچ‌وجه دنبال تنش و گرفتن جای آمریکا نیست.

۷ درباره رفتار آمریکا در روابط ایران و چین، با نگاه چینی این مساله قابل تحلیل است. چینی‌ها معتقدند از چندسال قبل و حتی پیش از زوری کار آمدن ترامپ، سیاست سابق آمریکا درباره چین تغییر کرده بود؛ قبلاً آمریکایی‌ها درباره چین سیاست حماق و هویج را داشتند و یک دوره‌هایی سخت و یک دوره‌هایی نرم برخورد می‌کردند، اما چینی‌ها معتقدند بعد از پیشرفت اقتصادی چین و ارتقای جایگاه چین در نظام بین‌الملل، آمریکا به این نتیجه رسید که چین یک تهدید استراتژیک است و این را عملاً در اسناد امنیت ملی آمریکا اعلام کرده‌اند. چینی‌ها بعد از این رویکرد علیه پکن، نیازی به مدارا با آمریکا نمی‌بینند. خنجر آمریکا در مقابل چینی‌ها تیزتر شده و رد آن را در مسائل هنگ کنگ، تایوان و رخداد‌های بخش مسلمان‌نشین چین می‌توان دید. از همه واضح‌تر جنگ تجاری دو طرف است که وارد فاز جدیدی شده است. نکته مهم نگاه چین و ضدحمله چین است. چینی‌ها امروز در عین اینکه دنبال رویارویی مستقیم نیستند، سیاست پینگ‌پنگی را انتخاب کرده‌اند که ریشه در متون قدیمی چینی دارد. آنها یک استراتژی دارند که می‌گویند در مقابل دشمن ابرقدرت تا جایی که می‌شود مدارا کن بعد از آن اگر یکی زد، یکی بزنی و الا او دومین ضربه را هم می‌زند. بر همین اساس دو یامداد، وزارت بازرگانی لیستی از تعرفه روی کالای آمریکایی منتشر کرد و تا صبح صبر نکرد با بلافاصله پس از بستن کنسولگری‌شان در آمریکا، یک کنسولگری آمریکا را بستند. چین می‌گوید جا برای همه برای برد برد هست.

۸ یک نکته قابل توجه در روابط دو کشور این است که تا جایی که ایران موفق شود اقدامات ضد ایرانی آمریکا را به گوشه رینگ یکجانبه‌گرایی بکشاند، در تعامل با چین موفق است. در برجام چارچوبی تعریف شد که براساس آن آمریکا در گوشه رینگ قرار گرفت. تا وقتی این فضا را ادامه بدهیم که تحریم‌های آمریکا علیه ایران حمل بر یکجانبه‌گرایی و مخالفت با موازین بین‌المللی و قطعنامه‌ها باشد، چین با ما همراه است. چین خودش را یک کشور مسئولیت‌پذیر براساس معاهدات و چارچوب‌های بین‌المللی می‌داند و تا زمانی که معاهدات و قطعنامه‌ها پشت ایران باشد، تحریم‌ها را دور می‌زند، ولی اگر از آن چارچوب‌ها خارج شویم، چینی‌ها با ما همراه نخواهند بود. در گذشته مواردی وجود داشته که چین علیه ایران در شورای امنیت رای داده است.

۹ **بخش چهارم** با توجه به اینکه چارچوب روابط دو کشور مشارکتی است، طبیعتاً برای دو طرف سود دارد. گاهی یک کشور در کشور دیگری هزینه می‌کند و در کوتاه‌مدت و میان‌مدت برداشتی ندارد، اما ایران و چین مشارکت می‌کنند، چون مزایایی برای دو طرف دارد. چین در دو حوزه به ایران نگاه طولانی‌مدت دارد؛ یکی بحث انرژی است. ایران به‌عنوان منبع تامین انرژی پایدار برای چین، وابسته به هیچ طرفی نیست. هم‌زمان با کاهش شدید نفت از ایران، آمار منتشرشده از خرید

نفت عربستان، برزیل و روسیه از سوی چین رکورد زده است. این نکته را باید در نظر گرفت که روسیه با چین در مواردی رقابت استراتژیک دارند. طرف عربستان نیز با توجه به ارتباطش با آمریکا، منبع قابل اعتمادی نیست و با یک اشاره آمریکا می‌تواند شیر نفت به سمت چین را ببندد و برزیل هم چنین شرایطی دارد. ایران تنها کشوری است که چین می‌تواند روی آن حساب باز کند. این چیزی است که چینی‌ها هم آن را بیان می‌کنند. حوزه دیگر ژئوپلیتیک ایران به لحاظ نفوذ، موقعیت جغرافیایی و سیاسی است. ایران جایگاه مهمی در غرب آسیا دارد و به‌عنوان یک پل بین آسیای شرقی و غربی و اروپا نقش ایفا می‌کند. از قدیم ایران جایگاه پل بین چین و جهان غرب را داشته است. کالاهای چینی همه از زمین‌های پارسیمان عبور می‌کرد و به غرب می‌رسید.

امروز هم همین مساله چه از جانب دریا و چه خشکی، صادق است. این نگاه چینی‌ها به ایران است، اما در سال‌های گذشته به دلیل غفلت‌های ما، چینی‌ها در حوزه‌هایی با آسیای مرکزی کار کردند. کشورهای آسیای مرکزی به‌شدت تحت‌تاثیر روسیه هستند و همکاری درازمدت با آنها به نفع چین نیست، ولی ایران و عبور از ایران به نفع چین است.

۱۰ نگاه ایران به چین اما جامع است. چین مهمی در دنیای امروز است و کشورهای مختلف روابط طولانی‌مدتی را با چین دنبال می‌کنند. این رابطه به قدری پراهمیت است که دشمنان چین هم روابط اقتصادی با این کشور

را رها نمی‌کنند. اصلی‌ترین دشمنان چین کشورهایی هستند که اصلی‌ترین روابط را با چین دارند. آمریکا یکی از بزرگ‌ترین شرکا و دشمنان چین است. عربستان و رژیم صهیونیستی به لحاظ ایدئولوژی با چین مخالفند ولی با پکن روابط دارند. چین کارخانه دنیاست. ما با یک بازار یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفری طرفیم. برای کشور ما که جهش تولید را مطرح می‌کند، این بازار قابل چشم‌پوشی نیست. ما از منطقه مسلمان‌نشین چین غافلیم ولی ترکیه در آن دارد کار می‌کند. استان‌هایی در چین وجود دارد که جمعیتش نزدیک به دو برابر ایران است. ما در IT، هوش مصنوعی، توسعه میدانی نفتی و تجهیزات توسعه‌محور در حوزه پلاستیکی، تجهیزات هوانوردی و خودروهایی تکنولوژی چین نیاز داریم. در حال حاضر همه کشورهای دنیا یک ایستگاه فضایی بین‌المللی دارند ولی چین در حال ایجاد یک ایستگاه فضایی ملی است و مراحلش را یکی پس از دیگری طی کرده است. چین در طول تاریخ به‌عنوان یک کشور شرقی، روابط خصمانه‌ای با ایران نداشته است.

۱۱ **بخش پنجم** در فضای مجازی مطالبی مطرح شده است که شاید برنامه ۲۵ ساله ایران-چین استعمارگراییانه باشد. این موضوع را می‌توان از چند جهت تحلیل کرد. مساله اول آنکه عنوان این اقدام، «برنامه» است و یک برنامه هیچ‌وقت نمی‌تواند کشوری را استعمار کند. معاهده‌ها باید بتوانند استعمارگراییانه باشد اما یک برنامه روی کاغذ است و می‌توان آن را اجرا نکرد. دو طرف در برنامه هیچ تعهدی به یکدیگر نمی‌دهند. برنامه به معنی نقشه راه است و کسی تاکنون با نقشه راه استعمار نشده. فرض کنید ایران و چین می‌خواهند برای تجهیز ناوگان هوایی ایران طبق بند فلان بیانه فلان و برنامه ۲۵ ساله همکاری بین دو کشور توافقی امضا کنند و چین به ایران قطعات هواپیما صادر کند. در این مرحله تیمی از سازمان هواپیمایی کشوری ایران باید به چین سفر و با آنها مذاکره کند. بعد از اینکه به توافق رسیدند، متنی آماده می‌شود. این متن را دو طرف امضا می‌کنند و

پس از آن اجرایی می‌شود. در این مرحله است که می‌توان بررسی کرد که آیا این توافق به ضرر ایران بوده یا خیر. این شمای کلی از این برنامه است که در آینده اتفاق می‌افتد.

۱۲ مساله دوم این است که برنامه منتشرشده را چینی‌ها برای ایران ننوشته‌اند. اگر چینی‌ها آن را به ما دیکته کرده بودند، می‌گفتیم شاید چینی‌ها می‌خواهند ما را استعمار کنند. این برنامه متنی است که محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران به چین برده و به چینی‌ها ارائه کرده است. ایران منتظر است تا چینی‌ها نظرشان را درباره آن اعلام کنند. مگر اینکه بگوییم وزارت خارجه ایران می‌خواهد کشورش را استعمار کند و اینجا اصلاً مساله دیگری به وجود می‌آید. اینکه برنامه‌ای را خود ما به چینی‌ها بدهیم، بعید است به گونه‌ای باشد که ایران را استعمار کند. طبعاً ما منافع خودمان را در نظر می‌گیریم و قطعاً چینی‌ها نیز منافی را برداشت می‌کنند و اگر برداشت نکنند اصلاً وارد چنین همکاری‌هایی نمی‌شوند. چینی‌ها به دنبال برد-برد هستند و اگر منافع‌شان تامین نشود وارد نمی‌شوند. نه تعارفی دارند، نه عقد اخوتی بسته‌اند و نه ترسی دارند و نه خجالتی هستند، جایی که منافع چین تامین نشود، وارد نمی‌شوند. با عربستان، آمریکا و دیگر کشورها نیز همین گونه‌اند. از اساس دیگر کشورها نیز باید همین گونه هم باشند.

۱۳ مساله سوم به آگاهی ما از ذهن چین برمی‌گردد. ما باید به نگاه راهبردی چینی‌ها در ابعاد بین‌المللی آگاهی داشته باشیم. چیزی که چین در میان مدت و نه در بلندمدت در نظر دارد. در بلندمدت نمی‌دانیم چه اتفاقی می‌افتد و شاید چین کشوری مانند آمریکا شود. همه در حال بحث هستند که این چینی‌ها که امروز برخاسته و قدرت جهانی شده است اگر در آینده ابرقدرت شود، چه می‌کند؟ آن چیزی که با آن در این موضوع کار داریم میان مدت است. اگر ما سرخط‌های اصلی استراتژی چین را مطالعه کنیم برای آینده جهان در میان مدت چین برنامه ابرقدرت شدن ندارد. برنامه چین این است که یکی از قطب‌های قدرتمند جهان شود. خاورمیانه تا چند سال قبل در سیاستگذاری مقامات چینی جایگاه مهمی نداشت. تمرکز چین روی ژاپن، کره جنوبی، کره شمالی و روسیه بوده است. این مسائل نگاه چین را برای ما روشن می‌کند. امروز چینی‌ها در حال گسترش روابط با غرب هستند، علاقه‌مند به حضور در خاورمیانه هستند که جمهوری اسلامی نیز

به این مساله کمک می‌کند و می‌تواند کمک‌های بیشتری نیز ارائه دهد. در آفریقا نیز چینی‌ها حضور پیدا کرده‌اند اما آیا این موارد به معنای استعمار است؟ وقتی نگاه بررسی چین درباره آینده جهان را می‌کنید چنین چیزی از آنها برداشت نمی‌شود البته ممکن است آنها بخواهند نفوذشان را گسترش دهند. در ایران مطرح شد که چین می‌خواهد جزیره کیش را بخرد و یا اینکه پنج هزار سرباز چینی قرار است بیایند و در جنوب ایران مستقر شوند. اولین سوالی که باید از سوی مردم و کارشناسان مطرح می‌شد این بود که این تعداد نیرو برای چه

باید مستقر شوند؟ سربازان چینی به ایران بیایند که چه کنند؟ از اینجا به جایی دیگر حمله کنند؟ اگر چین بخواهد سرباز به جایی اعزام کند به جزایری که در دریای چین جنوبی در حال ساخت آنهاست، اعزام می‌کند. یا به مناطقی از آفریقا اعزام می‌کند. نگاهی در ایران به برخی مسائل وجود دارد که **۱۴** حاصل سرگذشت تلخ چین در برهه‌هایی از تاریخ است. ما با انگلیس، پرتغال، تزارها و آمریکا توافقات استعماری زیادی داشته‌ایم. در جایگاهی که چین در میان مدت برای خود در نظر گرفته استعمارگری وجود ندارد. البته در بلندمدت بحث جداسد. در جهان چندقطبی عملاً آن شکلی از استعمار که در دوران سابق وجود داشته امکان‌پذیر نیست. روابط چندجانبه شده است مناسبات را دو کشور تعیین می‌کنند، مانند برنامه ۲۵ ساله ایران-چین.

۱۵ روابط با چین باعث می‌شود که ایران به متنوع‌سازی منابع در حوزه سیاست خارجی برسد. سیاست کلانی که در جمهوری اسلامی با عنوان نگاه به شرق مطرح شده نگاه حکیمانه‌ای است اما باید توجه داشت که هدف نگاه به شرق است و نه رفتن به آغوش شرق. اگر ایران بتواند حکیمانه روابطش با چین را تنظیم کند این اقدام می‌تواند از استعمار در طولانی مدت جلوگیری کند، به این جهت که باعث متنوع‌سازی حوزه‌های اقتصادی ایران خواهد شد و از اتکا به یک طرف جلوگیری خواهد کرد. اشتباه پس از امضای برجام این بود که ایران در مواردی شرق را نادیده گرفت یا نسبت به غرب کمتر به آن توجه کرد و تعادل را حفظ نکرد. اگر توازن بین شرق و غرب در روابط رعایت شود، راهی برای استعمار وجود ندارد. اگر روابط اقتصادی ایران هم‌زمان با فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، کره جنوبی، چین و روسیه برقرار باشد چگونه استعمار شکل می‌گیرد؟ اگر کشوری وارد فاز فشار شود، فوراً با یک کشور دیگر جایگزینش می‌کند. اگر کشوری غربی شما را تهدید کند، شما شرق را در اردی و اگر شرق شما را تهدید کند، شرکا غربی را در اردی.

برنامه منتشر شده را چینی‌ها برای ایران ننوشته‌اند. اگر چینی‌ها آن

۹ **را دیکته کرده بودند، می‌گفتیم شاید چینی‌ها می‌خواهند ما را استعمار کنند. این برنامه متنی است که محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران به چین برده و به چینی‌ها ارائه کرده است. ایران منتظر است تا چینی‌ها نظرشان را درباره آن اعلام کنند. مگر اینکه بگوییم وزارت خارجه ایران می‌خواهد کشورش را استعمار کند. بعید است برنامه‌ای که خود ما به چینی‌ها دادیم، به گونه‌ای باشد که ایران را استعمار کند**

چینی‌ها برای ایران ننوشته‌اند. اگر چینی‌ها آن

۹ **را دیکته کرده بودند، می‌گفتیم شاید چینی‌ها می‌خواهند ما را استعمار کنند. این برنامه متنی است که محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران به چین برده و به چینی‌ها ارائه کرده است. ایران منتظر است تا چینی‌ها نظرشان را درباره آن اعلام کنند. مگر اینکه بگوییم وزارت خارجه ایران می‌خواهد کشورش را استعمار کند. بعید است برنامه‌ای که خود ما به چینی‌ها دادیم، به گونه‌ای باشد که ایران را استعمار کند**